

نقدی بر کتاب شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام

جهانبخش ثواب*

چکیده

تألیف کتاب‌های درسی و کمک‌درسی که برخوردار از استانداردهای لازم علمی، پژوهشی، و آموزشی باشند، برای دروس رشته‌های دانشگاهی امری ضروری است. در سال‌های اخیر، چندین سازمان و نهاد در این زمینه فعالیت چشم‌گیر داشته‌اند؛ مانند سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، و دانشگاه پیام نور که جای تقدیر از آن‌ها دارد. از همین طریق، پژوهش‌گران و استادان تاریخ دانشگاه‌های کشور کتاب‌های متعددی را در رشته تاریخ تألیف و منتشر کرده‌اند که برخی از آن‌ها کاربرد آموزشی یافته‌اند و دانشجویان از آن‌ها بهره می‌برند. هرچند تألیف این آثار اقدام ارزشمندی است، نقد و بررسی این متون می‌تواند هم به غنای علمی و آموزشی آن‌ها بیفزاید و هم الگوی مناسبی را در اختیار نویسندگان آثار بعدی قرار دهد که هرچه بیش‌تر بر امتیازات اثر خویش بیفزایند و از دامنه کاستی‌های آن بکاهند. نمونه‌ای از این کتاب‌ها، که به‌تازگی تألیف و منتشر شده، شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام، ویژه رشته تاریخ است که در این مقاله نقد و بررسی می‌شود. یافته مقاله آن است که این کتاب به‌رغم برخی کاستی‌های شکلی و محتوایی، در موضوع خود به‌منزله کتاب درسی مناسب است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ ایران بعد از اسلام، شناخت و نقد منبع، کتاب درسی، مآخذ، منابع.

* استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، jahan_savagheb@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۱

۱. مقدمه

یکی از حوزه‌هایی که اندیشمندان مسلمان و ایرانی در آن به تحقیق و بررسی و نگارش پرداخته‌اند دانش تاریخ است که گزارش رویدادهای گذشته و زندگی اجتماعی آدمیان و وظیفه انتقال آن را به نسل‌های پسینی برعهده دارد. تاریخ از این طریق، با پیوند بین گذشته و حال و آینده، تداوم زندگی بشری و سرنوشت جمعی انسان‌ها در بستر زمان را نشان می‌دهد. در میراث گذشته ایرانی-اسلامی، بسیاری از بزرگان در کسوت مورخ تلاش کرده‌اند تا از راه مشاهده، شنیده‌ها، جست‌وجو در منابع و اسناد بایگانی‌های اداری، و بررسی‌های میدانی اخبار جوامع انسانی را در قالب اشکال تاریخ‌نگاری از قبیل تاریخ عمومی، تاریخ سلسله‌ای، تاریخ محلی، تک‌نگاری پادشاهان، تذکره و تراجم ثبت و ضبط کنند و به‌یادگار بگذارند. همین تلاش مورخان فراهم‌آمدن انبوهی از متون تاریخی در دوره‌های مختلف تاریخ ایران بعد از اسلام را در پی داشته است که جدا از بررسی محتوا و انگیزه و اهداف، بینش و نگرش این مورخان در تاریخ‌نگاری و دیگر موضوعات و شناخت و معرفی این متون را، که امروزه به منابع در پژوهش‌های تاریخی از آنان یاد می‌شود، نشان می‌دهند. اهمیت نقش منبع در پژوهش تاریخی و مبتنی بودن این نوع پژوهش بر پشتوانه استنادی ضرورت شناخت و معرفی منابع تاریخی را در پی داشته است. ورود رشته تاریخ در برنامه تحصیلی مراکز علمی و آموزشی و ضرورت آموزش این دانش به فراگیران ضرورت تدوین متون درسی و از جمله تدوین متونی درباره منابع و مآخذ دوره‌های تاریخی یا سلسله‌های حکومتی را بیش‌تر کرده است.

از این رو، تاکنون نوشته‌های متعددی از سوی پژوهش‌گران درباره منابع تاریخی ایران در دوره باستان و پس از اسلام به‌نگارش درآمده که هر یک در جای خود ارزش‌مندند. برشمردن برخی از این نوشته‌ها پیشینه این بحث را برمی‌تابد. صفا (۱۳۵۱-۱۳۵۲) در *تاریخ ادبیات در ایران* در هر قرن فهرستی از منابع گوناگون آن دوره را به‌دست داده است. اشپولر و دیگران (۱۳۶۰) *تاریخ‌نگاری در ایران* را در قالب مقالاتی درباره هر سلسله از قرن‌های نخستین اسلامی تا قاجار بررسی کرده‌اند و در این مقالات به نوشته‌های تاریخی مهم هر دوره پرداخته‌اند. تدوین‌کننده و مترجم این اثر (یعقوب آژند، در چاپ دوم، ۱۳۸۸) با نگارش مقالاتی در برخی از دوره‌ها، نظیر صفویه و تاریخ‌های محلی، کمبودهای این اثر را تکمیل کرده است. زرین‌کوب (۱۳۶۳) منابع تاریخ ایران را در گونه‌های مختلف آن مانند تاریخ عمومی، سلسله‌ای، محلی، وزارت‌نامه‌ها، جغرافیای

تاریخی، تذکره‌ها، سفرنامه‌ها، و منشآت نوشته‌های صوفیانه دسته‌بندی و معرفی کرده است. میراحمدی (۱۳۶۸) در بررسی نظام حکومت در ایران از صدر اسلام تا مغول در هر دوره به منابع تاریخی آن نیز اشاره کرده و همین شیوه را وره‌رام (۱۳۶۸) در بررسی نظام حکومت در ایران از عصر مغول تا پایان قاجاریه به‌کار بسته است. بیات (۱۳۷۰)، (۱۳۷۴) منابع و مآخذ تاریخ ایران را از دوره باستان تا دوره قاجار شناسایی و معرفی کرده است. وره‌رام (۱۳۷۱) در اثری دیگر، منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی را به ترتیب سلسله‌های حاکم هم‌راه با شرح اجمالی هر اثر و ذکر برخی از پژوهش‌های نوین درباره هر دوره تألیف کرده است. شکوری (۱۳۷۱) جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر و فصیحی (۱۳۷۲) جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی را بررسی کرده‌اند. ثواقب (۱۳۸۰ و ۱۳۸۷) منابع و مآخذ تاریخ عصر صفویه را در تنوع تاریخ‌نگاری آن به‌صورت مشروح دسته‌بندی و شرح داده است. کوپین (۱۳۸۷) بر تاریخ‌نویسی عصر شاه‌عباس اول صفوی تمرکز کرده و آرام (۱۳۸۶) سبک تاریخ‌نگاری این دوره را بررسی کرده و در ضمن آن به منابع تاریخی صفویه پرداخته است. ناجی و دیگران (۱۳۸۹) در کتاب تاریخ و تاریخ‌نگاری، که دراصل فراهم‌آمده مدخل‌های دایرةالمعارف اسلامی است، منابع تاریخی را در گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری در قرن‌های متوالی معرفی کرده‌اند. نوشته میثمی (۱۳۹۱) درباره تاریخ‌نگاری فارسی، در شناخت و معرفی و نقد برخی منابع تاریخی و بینش و روش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری بعضی از مورخان ایرانی مفید است. زینلی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه دکتری خود تاریخ‌نگاری محلی ایران را از سقوط بغداد تا پایان صفویه نقد و بررسی کرده است. ترکمنی‌آذر (۱۳۹۲)، در تاریخ‌نگاری در ایران از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری مورخان ایرانی این محدوده زمانی را بررسی کرده و به نکات مفیدی دست یافته است. فنوات (۱۳۹۳) تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی تا سده هفتم هجری را بررسی و بسیاری از این منابع را چه گم‌شده و چه در دست معرفی کرده است. این پژوهش دراصل پایان‌نامه دکتری وی بوده که به سال ۱۳۸۷ از آن دفاع کرده است. صدقی (۱۳۹۳) نیز تاریخ‌نگاری در ایران عصر سلجوقی را تألیف کرده و قدیمی قیداری (۱۳۹۳) به تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار پرداخته است. رضوی (۱۳۹۴) هم جایگاه تاریخ‌نگارانۀ یعقوبی، مقدسی، گردیزی، و ابن‌فندق را در کتاب خود، با نام درآمدی بر تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی، بررسی کرده است.

در بررسی تاریخ‌نگاری در اسلام، گیب و دیگران (۱۳۶۱) در مقالات خود به این مقوله پرداخته‌اند و بسیاری از منابعی را که مطرح کرده‌اند، در زمره منابع تاریخ ایران در برخی قرن‌ها جای می‌گیرد. جعفریان (۱۳۶۷) منابع تاریخ اسلام را در قالب‌های تاریخ‌نگاری اسلامی دسته‌بندی و معرفی کرده که با منابع تاریخ ایران در پیوند است. روزنتال (۱۳۶۸)، در کتاب *ارزش‌مند تاریخ‌نگاری در اسلام*، بسیاری از منابع تاریخی در اشکال متنوع آن، به‌ویژه آثار گم‌شده، را نام برده است. کاهن (۱۳۷۰) در بررسی تاریخ اسلام در قرون وسطی به منابع مختلفی در حوزه تاریخ‌نگاری اسلامی پرداخته است. سجادی و عالم‌زاده (۱۳۷۵) مکاتب تاریخ‌نگاری، شیوه‌های تدوین تاریخ‌نگاری، انواع تاریخ‌نگاری اسلامی، و سیر تاریخ‌نگاری در سرزمین‌های اسلامی را در کتاب *تاریخ‌نگاری در اسلام* تدوین کرده‌اند. به همین شیوه، آینه‌وند (۱۳۷۷)، در *بررسی علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، با رویکرد تاریخ اسلام منابع بسیاری را برشمرده است. جمعی از مؤلفان زیرنظر رسول جعفریان منابع *سیره نبوی* را نقد و بررسی کرده‌اند (در این باره، بنگرید به *نقد و بررسی منابع سیره نبوی* ۱۳۷۸). حضرتی (۱۳۸۲) نیز با کمک برخی از پژوهش‌گران مجموعه‌ای را در *دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی* فراهم آورده است. نوشته‌های خضر (۱۳۸۹) و رابینسن (۱۳۸۹) نیز درباره تاریخ‌نگاری اسلامی سودمندند. پژوهش مصطفی شاکر (۱۹۸۳) هم به شناخت بسیاری از مورخان اسلامی و دگرگونی علم تاریخ در میان مسلمین کمک می‌کند.

در شناخت و معرفی منابع ایران باستان، میراحمدی (۱۳۶۹) *کتاب‌شناسی تاریخ ایران* در این دوران را فراهم کرده است. تفضلی (۱۳۷۶) به منابع تاریخ ایران باستان در قالب *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام* پرداخته، چنان‌که موسوی (۱۳۸۰) نیز به شناسایی و نقد منابع همین دوره پرداخته است. جعفری دهقی (۱۳۸۲) هم منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان از ورود آریایی‌ها تا سقوط امپراتوری ساسانی بازشناسی کرده است.

درباره منابع تاریخی، مقالات بسیاری در مجلات تاریخی نگارش یافته که نام‌بردن از همه به‌درازا می‌انجامد. در این میان، ویدنگرن (۱۳۸۱) به منابع تاریخ پارتی و ساسانی پرداخته است. باسورث (۱۳۸۱) با بررسی سهم ایرانیان در تاریخ‌نگاری دوره اسلامی پیش از حمله مغول به منابع این دوره پرداخته است. خسروییگی (۱۳۸۷) منابع و مآخذ دوره خوارزمشاهی را شناسایی و ارزیابی توصیفی کرده است. قدیمی قیداری (۱۳۸۸) پژوهشی در تاریخ محلی کردستان داشته و صالحی (۱۳۸۰) از تاریخ‌های محلی کتاب‌شناسی‌ای توصیفی ارائه کرده است. به همین نحو، رجایی (۱۳۹۰) تاریخ‌نگاری محلی عصر قاجار و

ثواقب (۱۳۹۲) تاریخ‌نویسی محلی عصر صفویه را مطرح کرده‌اند. ثواقب (۱۳۹۲) هم‌چنین سنت تاریخ‌نویسی در ایران باستان را بررسی کرده و همو (۱۳۹۳) سنت تاریخ‌نویسی محلی ایرانی را نیز بررسی و تعداد بسیاری از این نوع منابع را فهرست کرده است. وی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای دیگر، به ادبیات تراجم‌نگاری در متون تاریخی عصر صفویه پرداخته و منابع متعددی از این نوع را معرفی کرده است.

در مقاله حاضر، به روش بررسی درون‌متنی (تحلیل محتوا) و با در نظر داشتن نمونه‌هایی که پیش‌تر درباره موضوع منابع تاریخی تألیف یافته‌اند (مقایسه‌ای)، کتاب شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام که به‌همت مقصودعلی صادقی، استاد تاریخ دانشگاه تبریز، تألیف شده و دانشگاه پیام نور آن را برای درسی به همین نام در رشته تاریخ انتشار داده، بررسی شده است.

۲. معرفی کلی اثر

عنوان: شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام (ویژه رشته تاریخ)؛

پدیدآورنده: دکتر مقصودعلی صادقی؛

ویراستار علمی: دکتر یزدان فرخی؛

مشخصات نشر: تهران، دانشگاه پیام نور؛

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول، شهریور ۱۳۹۳؛

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه؛

قطع کتاب: وزیری؛

تعداد صفحات: ۱۹۸ + ۱۲ ص مقدمات؛

قیمت: ۵۳۰۰۰ ریال.

۱.۲ محتوای شکلی اثر

دارای جلد و طراحی با نشان دانشگاه پیام نور، صفحه عنوان، صفحه شناسنامه، صفحه پیش‌گفتار ناشر، فهرست مطالب، پیش‌گفتار نویسنده در پنج صفحه (هفت - یازده)، فصول کتاب (۱۲ فصل، ۱-۱۷۷) و کتاب‌نامه (۱۷۹-۱۹۸). مقدمه‌ای ندارد و به همان پیش‌گفتار بسنده شده است.

۲.۲ محتوای پیش‌گفتار

محتوای پیش‌گفتار درباره جایگاه منبع در پژوهش تاریخی و منابع نوشتاری تاریخ ایران پس از اسلام و هدف نگارش کتاب است. نویسنده به هدف تدوین کتابی برای درس دوواحدی «شناخت و نقد منابع تاریخ ایران بعد از اسلام»، به‌منظور استفاده دانشجویان رشته تاریخ، این اثر را به تفکیک دوره‌های تاریخی از قرن‌های نخستین اسلامی تا دوره قاجار فراهم آورده است. وی با ذکر بخش «درباب مآخذ» کتاب *تاریخ ایران بعد از اسلام* عبدالحسین زرین‌کوب به‌منزله نمونه‌ای از ارائه گونه‌های منابع تاریخی و کتاب‌شناسایی منابع و *مآخذ تاریخ ایران*، تألیف عزیزالله بیات، از نوع معرفی منابع برپایه ترتیب الفبایی، اثر خویش را «معرفی و بررسی کوتاه مهم‌ترین منابع تاریخی ایران بعد از اسلام به تفکیک دوره‌های تاریخی» مطرح کرده است (صادقی ۱۳۹۳: نه). به‌گمان نویسنده، تاکنون کتاب جداگانه‌ای به زبان فارسی در این باره براساس تقسیم‌بندی دوره‌ای نوشته نشده و چهارچوبی که در این کتاب برای ارائه منابع در نظر گرفته دوران فرمان‌روایی خاندان‌های اصلی در تاریخ ایران پس از اسلام بوده است (همان: هشت). نویسنده مدعی است که تلاش بر این داشته است تا مهم‌ترین منابع تاریخ هر دوره تاریخی را با دسته‌بندی منابع و ارائه مهم‌ترین گونه‌ها و نمونه‌ها به خواننده بشناساند (همان: نه). وی در هر دوره در حد توان به معرفی تاریخ‌های سلسله‌ای، تاریخ‌های عمومی، تاریخ‌های محلی، تاریخ‌های وزارت، و دیگر آثار مانند کتب مسالک و ممالک، سفرنامه‌ها، تذکره‌ها در موضوع‌های گوناگون دینی، ادبی، و عرفانی پرداخته است.

۳.۲ محتوای اجمالی فصول کتاب

این کتاب در دوازده فصل فراهم آمده است. در آغاز هر فصل، اهداف یادگیری آن در چند محور فهرست شده که اغلب شامل محورهای مشابه است؛ مانند بررسی تاریخ‌های عمومی، شناخت تاریخ‌های سلسله‌ای، آشنایی با تاریخ‌های محلی، شناخت منابع جغرافیایی، آشنایی با سفرنامه‌ها، منشآت، کتاب‌های وزارت، و معرفی عناوین برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های جدید درباره تاریخ ایران در هریک از دوره‌های یادشده. پس از بیان این اهداف، در هر فصل بدون عنوان‌گذاری فرعی، به ترتیب اهمیت به معرفی این منابع می‌پردازد. در فصل نخست، معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در قرن‌های نخستین اسلامی و دوران سلسله‌های طاهری و صفاری آمده است. فصل دوم معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران

در دوره سامانی، فصل سوم معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره آل بویه، فصل چهارم معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ دوره غزنوی، فصل پنجم معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره سلجوقی، فصل ششم معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ دوره خوارزمشاهیان و غوریان، فصل هفتم معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره مغول و ایلخانی، فصل هشتم معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، فصل نهم معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران روزگار صفوی، فصل دهم معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره افشاریه، فصل یازدهم معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره زندیه، و فصل دوازدهم معرفی و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران در دوره قاجار.

در پایان هر فصل، تعدادی سؤال طرح شده است که برای فصل اول، پنجم، نهم، و دوازدهم هریک هفت سؤال، فصول دوم و سوم هریک چهار سؤال، فصول چهارم، ششم، هفتم، هشتم، دهم، و یازدهم هریک پنج سؤال آمده است. شیوه ارجاع‌دهی به‌صورت زیرصفحه با تکرار شماره‌های ارجاع در هر صفحه با قلم ریز تنظیم شده است. متن هر صفحه با رسم یک خط مشکی کامل در انتها از متن ارجاعات از هم جدا شده‌اند. در هر فصل، عنوان اصلی کتاب در سرصفحه‌های زوج و عنوان فصل در سرصفحه‌های فرد آمده است. کتاب‌نامه پایانی آن شامل فهرست منابع و مآخذ، نسخه‌های خطی، منابع به زبان‌های اروپایی، و مقالات است.

۳. تحلیل ابعاد شکلی اثر

۱.۳ امتیازات

کتاب زمینه مناسب طرح جلد، حروف‌نگاری متناسب، صفحه‌آرایی و صحافی خوب و قطعی مطلوب دارد و با کیفیت قابل قبول چاپ شده است. در مجموع، غلط‌های چاپی آن کم است، هرچند بدون غلط هم نیست. قواعد عمومی نگارش و ویرایش در متن رعایت شده، اما بدون نقص هم نیست. روانی و رسایی متن خوب است و به‌آسانی هدف قابل فهم است.

۲.۳ کاستی‌ها

- عکس روی جلد و آخر جلد تناسبی با عنوان کتاب ندارد. عکس حاوی صحنه‌هایی از راه‌پیمایی‌های مردمی و حوادث انقلاب و نمایی از برج آزادی است. بهتر بود

- عکس یا طرحی برگزیده می‌شد که به کتاب و نسخه‌های قدیمی و چهره‌هایی از مورخان مربوط می‌شد؛
- این کتاب جدول، نمودار، نقشه، و تصویر ندارد و از این رو، فهرستی هم برای این موارد ندارد. چون فصول کتاب عناوین فرعی ندارند، فهرست مطالب که دربرگیرنده همان عناوین فصول است در یک صفحه آمده و فهرست تفصیلی ندارد. کتاب فاقد هر نوع نمایه است؛
 - در ذکر گاه‌شماری، گاه از واژه «سده» و گاه «قرن» استفاده شده که بهتر بود یک‌دست می‌شد و البته براساس پارسی‌نویسی اگر همه‌جا «سده» به کار می‌رفت شایسته‌تر بود؛
 - تاریخ‌ها باین که عددی است و می‌بایست با علامت اختصاری «ه»، «ق»، و «ش» بیاید، غالباً با حروف آمده و یک‌دست نیست. گاه با هجری، گاه هجری قمری، و گاه به صورت «ه» آمده است؛
 - در برخی موارد در متن کتاب، نقطه پایان فعل در آخر جمله نیامده است؛ برای نمونه، ص ۶۲، سطر ۲۰، آخر (آورد)؛ ص ۱۱۳، سطر ۱۳، بعد از «نماید»؛ ص ۹۲، سطر ۱۸، بعد از «نمی‌باشد»؛
 - اسامی کتاب‌های فارسی و اروپایی در کتاب‌نامه هیچ‌یک ایرانیک و ایتالیک نشده و با بقیه مشخصات کتاب‌شناختی تمایزی ندارند؛
 - گاه یک اثر به چند شکل نوشته شده یا یک واژه به چند صورت آمده است؛ نظیر «شرفنامه، شرف‌نامه، شرف‌نامه» (ص ۱۲۱، سطر ۹، ۱۵، ۲۲)، «در بردارنده» (ص ۱۳۳)، «در بردارنده، در بردارنده، در بر می‌گیرد» (ص ۱۲۰)، «در بر گیرنده» (ص ۱۳۳)؛
 - باین که اسامی کتاب‌ها و نویسندگان آن حداقل بار اول در متن تیره شده، اما برخی جاها رعایت نشده است؛ برای نمونه، ص ۳۴ «تاریخ طبرستان بهاء‌الدین محمدبن حسن معروف به ابن اسفندیار»، ص ۳۵ «فارسنامه ابن بلخی»، ص ۸۳ «تاریخ‌نامه هرات سیف‌بن محمد»، ص ۵۱ ذیل مختصر «ناصر بن ظفر جرفادقانی»، ص ۳۹ سطر ۱۸ کلمه تاریخ در عنوان «تاریخ مختصر الدول»، ص ۵۱ سطر ۳ ذیل «مختصر ناصر بن ظفر جرفادقانی»، ص ۹۳ سطر ۱۳ «فضل‌الله»، ص ۱۰۱ سطر ۱۸ «مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین جمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی»، ص ۱۴۹ سطر

- ۱۰ «تاریخ قاجار»، ص ۱۶۰ سطر ۱۹ تبریز در عنوان «دارالسلطنه تبریز»، ص ۱۶۸ سطر ۶ «انقلاب ایران»؛
- باینکه تواریخ و فیات افراد و حکومت پادشاهان از راست به چپ نوشته شده، موارد نادری گاه از چپ به راست آمده است؛ نظیر ص ۵۹ سطر ۵ رشیدالدین وطواط (۵۷۳-۵۷۸)؛
- در ص ۵۸ و ۵۹، مشخصات کتاب‌شناختی دیوان‌های دوره سلجوقی ذکر نشده است؛ دیوان امیر معزی، انوری، عبدالواسع جبلی، رشیدالدین وطواط؛
- برخی جمله‌بندی‌ها طولانی است؛ برای نمونه ص ۱۴ سطر ۵ تا سطر ۱۲ به یک فعل ختم شده و سطر ۱۴ تا ۱۹ یک جمله است. به همین نحو، غالب جملات ۳، ۴، ۵ و ۵ سطری‌اند؛
- بسیاری جاها از فعل (می‌باشد) استفاده شده که بهتر بود از فعل (است) استفاده می‌شد؛
- ص ۱۸ سطر ۷ چون عبارت عربی است نوشته شده: «صورة الارض که صحیح آن «صورة الارض» است؛
- غالب اسامی خاص افراد و کتاب‌ها که دو جزئی‌اند و کلمات دو جزئی از هم جدا نوشته شده و در متن و ارجاعات فاصله‌گیری نشده که درست نیست و چون این قاعده در برخی صفحات رعایت شده، یک‌سانی صورت نگرفته است؛ برای نمونه زرین کوب (ص ۶ و ۸) به دو شکل آمده، محمدرضا (ص ۷ و ۱۰۸)، و عزیزالله، مقصودعلی، محمدعلی، محمدتقی، محمدباقر، قره‌چانلو، محمدابراهیم، علی‌اکبر؛ کتاب‌ها مانند تجارب‌الامم، مجمل‌التواریخ، آثارالبلاد، معجم‌البلدان، آثارالوزرا، دستورالوزرا، اشکال‌العالم، زین‌الانخبار؛
- در ص ۱۳۵ پاراگراف آخر، هیچ‌یک از پژوهش‌های جدید و نویسندگان آن‌ها تیره نشده‌اند؛
- برخی از منابعی که در ارجاعات کتاب آمده در کتاب‌نامه نیامده است؛ مانند کارلاسرنا (ص ۱۶۷)، جان ویشارد (ص ۱۶۷)، ادوارد گرانویل براون (ص ۱۶۸ سه اثر)، ساموئل گرین ویلر بنجامین (ص ۱۶۷)، آر. ر. دوراند (ص ۱۶۷)، آبراهام ویلیامز جکسن (ص ۱۶۷)، ژان ژاک دومورگان (ص ۱۶۸)، آرنولد تالبوت ویلسن (ص ۱۶۸)، جرج ناتانیل کرزن (ص ۱۶۸)، ه. ل. رایینو (ص ۱۶۸)، هانری رنه د آلمانی (ص ۱۶۷)، اوژن اوین (ص ۱۶۷)، و هنریش بروگش (ص ۱۶۶)؛

- إعراب‌گذاری اسامی و امکته خاص و کتاب‌ها صورت نگرفته است؛
- عبارات انشائی درباره وصف برخی منابع به کار رفته است؛ برای نمونه، درباره سفرنامه شاردن، سطر ۱۶ «سفرنامه او مفصل‌ترین [...]»، سطر ۱۸ «توصیفاتی مفصل و ارزش‌مند [...]»، سطر ۱۹ «توصیف بی‌نظیر او»، سطر ۲۳ «توصیفی دل‌انگیز و مفصل»؛
- در برخی ارجاعات، ویرگول بین کلمات نیامده است؛ برای نمونه، ص ۲، ش ۵؛ ص ۶، ش ۳؛ ص ۲۶، ش ۲ بعد از تهران؛ ص ۸۲ ارجاع ۱ بعد از قاهره؛ در متن نیز ص ۹۰، سطر ۴ ویرگول بین همدانی و عطاملک نیامده است؛
- برخی جاها به‌ویژه در ارجاعات ویرگول از کلمه پیش از خود فاصله دارد. نیز آخر برخی ارجاعات نقطه پایان نیامده است؛ برای نمونه ص ۱۳، ش ۲؛
- در برخی ارجاعات، کلمه بعد به نقطه یا ویرگول پیش از خود چسبیده است؛ برای نمونه، ص ۲۵، ارجاع ۳، ر.ک. ابن؛ ص ۳۳، ارجاع ۳؛ ص ۸۲ ارجاع ۵؛ ص ۸۶ ارجاع ۴؛ ص ۱۰۷، ش ۴ دو مورد؛ ص ۱۱۰، ش ۲؛ ص ۱۱۹، ش ۱. همین اشکال گاه در متن نیز دیده می‌شود که کلمه بعد به نقطه آخر فعل چسبیده است؛ برای نمونه، ص ۲۸، آخر سطر ۱۶؛ ص ۸۶ سطر ۱۹؛ ص ۱۱۴، ش ۱ بعد از نگاه؛
- در ارجاعات، کلمه «ابن» برخی جاها به کلمه بعد چسبیده و برخی جاها جدا آمده و برخی جاها به کلمه قبل چسبیده و یک‌دست نیست؛ برای نمونه، ص ۲، ش ۳ و ۴ برای جدانویسی؛ ص ۳، ش ۲، برای متصل به کلمه پیش؛ ص ۱۴، ش ۲؛ ص ۲۷، ش ۲ برای متصل به کلمه بعد و از این قبیل در سایر صفحات تکرار شده است؛
- در ارجاعات حروف اختصاری «ر.ک» برای «رجوع کنید»، یک‌سان نیامده و به شکل‌های مختلف آمده است؛ «ر.ک.» در اغلب صفحات، «رک» (ص ۸، ش ۳؛ ص ۱۵، ش ۵؛ ص ۶۲، ش ۱ و ۲؛ ص ۷۵، ش ۱؛ ص ۷۶، ش ۲ و ۳؛ ص ۷۷، ش ۱؛ ص ۸۸، ش ۱؛ ص ۱۲۵، ش ۸)، «ر.ک» (ص ۳۲، ش ۳؛ ص ۹۶، ش ۱؛ ص ۹۷، ش ۳؛ ص ۹۸، ش ۱؛ ص ۱۰۰، ش ۱)، «ر.ک.» (ص ۳۳، ش ۲، ص ۳۸، ش ۳؛ ص ۴۸، ش ۳؛ ص ۷۰، ش ۱ و ۴)؛ «ر.ک» (ص ۸۸، ش ۲)؛ «ن.ک» (ص ۱۳۲، ش ۳)؛ «ن.ک.» (ص ۷۰، ش ۲ و ۳)؛ «ن.ک.» (ص ۶۹، ش ۲)؛ «نک» (ص ۱۴۲، ش ۳)؛
- برخی کلمه‌ها در ارجاعات به کلمه قبل یا بعد از خود چسبیده است. فاصله‌گذاری رعایت نشده است. ص ۲، ش ۶، اور.ک (او، ر.ک. درست است)؛ ص ۶، ارجاع ۱، بعد از اسلام؛ ص ۷، ارجاع ۳، نشرآگاه؛ ص ۱۴، ارجاع ۲، نشرنی؛ ص ۱۰، ارجاع ۱،

- نشر البرز؛ ص ۱۰، ارجاع ۲ (ابوسعید عبدالحی، دو بار؛ محمود گردیزی، دو بار)؛ ص ۱۲، ارجاع ۱، اسامی؛ ص ۱۴، ارجاع ۲؛
- حرف «واو» عطف، برخی جاها به کلمه بعد چسبیده است. نظیر ص ۷، ارجاع ۲؛ ص ۹، ارجاع ۱، و ابوالقاسم؛
- برخی صفحات گاه ارجاع با مشخصات کامل تکرار شده، حتی در ص ۷۶ و ۷۷ (مقاله بویل) و ۱۳۰ و ۱۳۱ (جهانگشای نادری) از یک اثر پشت سر هم دو بار ارجاع کامل آمده است. برخی کتابها که در یک دوره مشخصات کامل آنها آمده در دوره بعد نیز کامل آمده که نیازی نبود؛
- برخی موارد «واو» عطف در میان دو کتاب از یک نویسنده تیره شده که برای خواننده این شبهه را ایجاد می کند که عنوان یک کتاب است. این موارد می بایست تیره نباشند و اصلاح شوند؛
- نام خانوادگی «نوابی» (ص ۸۸، ۱۲۴، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۴) و در صفحات دیگر به صورت «نوائی» (ص ۵۳، ۸۷، ۹۵، ۱۰۰ دوبار) آمده و در ص ۷۹ «نوانی» آمده که می بایست به صورت «نوابی» یک سان شوند؛
- برای ارجاع کتابهای مجهول المؤلف یکسانی رعایت نشده است. گاه «نویسنده، نویسنده‌ای گمنام» آمده (ص ۱۰، ۱۱، ۳۴، ۳۹)، گاه «نویسنده، نویسنده‌ای ناشناخته» (ص ۱۳، ارجاع ۲، ۱۸، ۱۹، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۴۰)، گاه «مجهول المؤلف» (ص ۳۵، ۴۰، ۵۴ برای تاریخ سیستان؛ ۵۱ برای مجمل‌التواریخ؛ ۵۵ برای حدود العالم) و «نویسنده ناشناس» (ص ۱۳ برای تاریخ سیستان).
- «هاء» آخر کلمه گاه چسبیده و گاه جدا آمده است. برای نمونه، در ص ۱۱۱ گزارش‌های (سطر ۵) و گزارش‌هایی (سطر ۱۸) و گزارش‌هایی (سطر ۱۷)؛
- در ص ۹۳، سطر ۱۷ عدد ارجاع شماره ۵ تیره شده و نیز عبارت «آگاهی‌های سودمندی در اختیار» نیز تیره شده که باید معمولی شوند. در همین صفحه، سطر ۲۰ حرف «واو» بین لمب و الغ معمولی شود و کلمه «از» پیش از بارتولد که ایتالیک شده، اصلاح شود؛
- در سراسر کتاب برای مشخص شدن همزه کلمات، نه از همزه و نه از حرف «ی» در آخر کلمه استفاده نشده است. هرچند در ص ۱۱ ارجاع ۱ در آخر نویسنده (نویسنده‌ی) و ص ۲۶، سطر ۱۹ همین کلمه و ص ۲۶، سطر ۱۰ «درباره‌ی»، ص ۲۸

سطر ۴ «زمانه‌ی» و «زمینه‌ی»، حرف «ی» آمده است که در این کتاب معمول نیست. در ص ۸۳، سطر ۱۳ تاریخنامه هرات، ص ۱۲۱، سطر ۱۹ شرف‌نامه، ص ۱۳۳ سطر ۲۳ دربرگیرنده، با همزه آمده است؛

- ص ۲۸ سطر ۱۳ پس از کتاب *حدودالعالم*، حرف «از» نباید تیره باشد. در این موارد نیز، حرف «او» میان کلمات نباید تیره باشد، بلکه باید معمولی شوند؛ ص ۳۹ سطر ۱۷ بین همدانی و المنتظم، ص ۲۷ سطر ۲۱ بین الالباب و جوامع، ص ۶۲ سطر ۲ میان اثیر و تاریخ، ص ۶۳ سطر ۲ میان نیشابوری و راحه، ص ۶۹ سطر ۶ میان قزوینی و نزهه، ص ۷۵ سطر ۱۳ بین ناصری و الکامل، ص ۹۲ سطر ۱۳ بین مازندران و تاریخ، ص ۹۳ سطر ۲۰ بین لمب و الغ، ص ۱۱۲ سطر ۱۷ بین ادواردز و لارنس، ص ۱۱۳ سطر ۱۸ بین آنتونی و رابرت، ص ۱۲۷ سطر ۱۳ بین صفویه و نظام، ص ۱۳۰ سطر ۶ بین واردات و تاریخ، ص ۱۵۰ سطر ۱۶ بین سامانی و روضه، ص ۱۵۰ سطر ۱۹ بین تبریزی و عبدالکریم، ص ۱۵۶ سطر ۱۱ بین فسایی و آثار، ص ۱۶۴ سطر ۲ بین دارن و ملگونوف، ص ۱۷۶ سطر ۹ بین ناطق و ایدئولوژی؛

- در ص ۱۷۱، ارجاع ۲، ص ۱۷۲، ارجاع ۶ و ۹، ص ۱۷۳، ارجاع ۳ و ۶ (دو مورد) و ص ۱۷۵ ش ۲ نام ناشر نیامده است؛

- در ارجاعات کتاب به ذکر کلمه انتشارات، القاب دکتر، سید و غیره، چاپ اول برای نوبت چاپ نیازی نیست و در ارجاعات، این موارد برخی جاها ذکر شده و برخی جاها ذکر نشده که ارجاعات را از یک‌دستی خارج کرده است. در موارد زیر برای یک‌دست شدن می‌تواند حذف شوند:

- دکتر، صفحات ۲ ش ۳، ۶ ش ۱، ۸ ش ۲ و ۳، ۱۵ ش ۳، ۳۸ ش ۲ (دو بار)، ۵۰ ش ۱، ۶۲ ش ۱، ۶۸ ش ۱، ۷۹ ش ۲، ۸۸ ش ۱، ۹۰ ش ۳، ۹۶ ش ۱ (دو بار)، ۹۹ ش ۱ و ۲، ۱۰۰ ش ۱ و ۲، ۱۰۲ ش ۱ و ۲، ۱۰۳ ش ۱، ۱۰۴ ش ۱، ۱۰۵ ش ۳، ۱۰۸ ش ۱ و ۳، ۱۰۹ ش ۲ و ۳، ۱۱۳ ش ۱، ۱۱۶ ش ۲، ۱۱۹ ش ۴، ۱۲۲ ش ۴، ۱۲۳ ش ۴، ۱۳۱ ش ۳، ۱۳۲ ش ۴، ۱۴۱ ش ۲، ۱۴۸ ش ۴، ۱۵۲ ش ۲، ۱۵۳ ش ۱، ۱۵۷ ش ۱ و ۲ و ۳، ۱۵۸ ش ۱ و ۲، ۱۶۳ ش ۳؛

- چاپ اول، صفحات: ۵ ش ۱، ۱۵ ش ۵، ۳۲ ش ۱، ۳۸ ش ۲، ۴۷ ش ۳، ۷۶ ش ۳، ۷۶ ش ۳، ۹۹ ش ۱ و ۲، ۱۰۰ ش ۱ و ۲، ۱۰۱ ش ۴، ۱۰۲ ش ۱ و ۲، ۱۰۳ ش ۳ و ۴، ۱۰۴ ش ۱، ۱۰۵ ش ۱ و ۳، ۱۰۶ ش ۱ و ۲، ۱۰۷ ش ۱، ۱۰۸ ش ۳، ۱۰۹ ش ۳،

۱۱۰ ش ۲، ۱۱۹ ش ۱ و ۲، ۱۲۰ ش ۱، ۱۲۰ ش ۲، ۱۳۱ ش ۳، ۱۴۰ ش ۴، ۱۴۲ ش ۱، ۱۶۸ ش ۶؛

- انتشارات، نشر، صفحات ۲ ش ۵، ۴ ش ۲، ۷ ش ۳، ۸ ش ۳، ۹ ش ۱، ۱۰ ش ۱ (دو بار)، ۱۳ ش ۱، ۱۵ ش ۵، ۱۸ ش ۱، ۲۷ ش ۴ و ۵، ۳۶ ش ۱ و ۲، ۳۸ ش ۲ (دو بار)، ۴۱ ش ۳، ۴۲ ش ۱، ۴۶ ش ۱، ۵۲ ش ۲، ۵۸ ش ۱، ۶۲ ش ۱ و ۲، ۶۳ ش ۲، ۶۸ ش ۱، ۷۰ ش ۱، ۷۶ ش ۱ و ۲ و ۳، ۷۸ ش ۱، ۸۱ ش ۵، ۸۲ ش ۵، ۸۶ ش ۴، ۸۷ ش ۲، ۸۹ ش ۳، ۹۲ ش ۴، ۹۷ ش ۳، ۹۹ ش ۲، ۱۰۰ ش ۱، ۱۰۲ ش ۱، ۱۰۷ ش ۱، ۱۱۱ ش ۳، ۱۱۳ ش ۱ (دو بار) و ش ۳، ۱۱۴ ش ۲، ۱۱۵ ش ۱، ۱۱۷ ش ۱، ۱۱۸ ش ۴، ۱۱۹ ش ۲، ۱۲۰ ش ۱، ۱۲۱ ش ۲، ۱۲۳ ش ۴، ۱۳۰ ش ۲، ۱۳۱ ش ۳، ۱۳۳ ش ۱ و ۳، ۱۳۴ ش ۲ و ۴ (دو بار)، ۱۳۵ ش ۳ و ۴، ۱۳۸ ش ۱، ۱۴۸ ش ۱، ۱۴۹ ش ۳، ۱۵۱ ش ۱ و ۳، ۱۵۳ ش ۲، ۱۵۴ ش ۱، ۱۶۲ ش ۴، ۱۶۳ ش ۱، ۱۶۵ ش ۵، ۱۶۶ ش ۵، ۱۶۸ ش ۶ و ۸، ۱۶۹ ش ۴ و ۸، ۱۷۴ ش ۶، ۱۷۵ ش ۴ و ۵؛

- سید، صفحات ۱۰۵ ارجاع ش ۳، ۱۱۹ ارجاع ش ۴، ۱۳۱ ارجاع ش ۲، ۱۷۹ سطر ۲، ۱۸۰ سطر ۲۳، ۱۸۴ سطر ۲۰، ۱۸۷ سطر ۲۴، ۱۸۸ سطر ۲۱، ۱۹۵ سطر ۱۳؛

- این موارد در کتاب‌نامه هم دیده می‌شوند که باید اصلاح شوند.

۴. تحلیل ابعاد محتوایی اثر

۱.۴ امتیازات

نظم منطقی و انسجام مطالب براساس دوره‌بندی تاریخی موردنظر نویسنده در پیش‌گفتار از آغاز تا پایان کتاب حفظ شده است. این نظم و انسجام در هر فصل نیز به‌خوبی رعایت شده است. چون اصل کتاب معرفی منابع تاریخی است، اغلب منابع معرفی شده از نظر علمی اعتبار و اهمیت تاریخی دارند و همین آثار بیش‌ترین منابع کتاب حاضر را تشکیل داده‌اند. از پژوهش‌های جدید نیز تاحدی استفاده شده، هرچند کافی نیست. در استنادات و ارجاعات دقت خوبی به‌کار رفته، گرچه اشکالاتی را نیز به‌هم‌راه دارد. در آغاز هر فصل، اهداف یادگیری آن بیان شده و در پایان فصل تعدادی پرسش مطرح شده است. از جنبه رعایت امانت، در مجموع با ذکر مآخذ مطالب این امر صورت گرفته است. بی‌طرفی علمی در کتاب رعایت شده است. کتاب در جهت اهداف خود، در بُعد شناخت و معرفی منابع به‌خوبی از عهده برآمده است، اما در مبحث نقد

منابع ضعف دارد. کتاب از نظر ارائه منابع گوناگون مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی براساس تقسیم‌بندی موجود در آن با چینی‌سازی مناسب اثری ارزنده است، اما با وجود نوشته‌های مشابه، نمی‌توان آن را اثری کاملاً بدیع و ابتکاری خواند. باین‌همه، ادبیات نوشتاری به‌کاررفته در متن انسجام نثر در کل کتاب و آگاهی‌های افزون‌تر در مقایسه با سایر نوشته‌ها در باب منابع این اثر را روزآمدتر کرده است. محتوای علمی و پژوهشی اثر با هدف آن، که شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام است، هماهنگ بوده و این هدف را برآورده است.

۲.۴ کاستی‌ها

۱.۲.۴ نقد درون‌ساختاری (میزان انسجام درونی اثر)

- به‌رغم وجود کلمه «نقد» در عنوان کتاب، محتوای آن بیش‌تر به همان شناخت و معرفی منابع پرداخته و نقد جزئی منابع یا به‌صورت کلی هر دوره تاریخی اغلب مغفول مانده است. شیوه بررسی پروین ترکمنی‌آذر در کتاب *تاریخ‌نگاری در ایران* (۱۳۹۲)، که در این اثر به آن اشاره‌ای نشده است، می‌تواند الگویی برای نقد منابع معرفی شده باشد؛
- بهتر بود در پیش‌گفتار با عنوان‌گذاری مباحث مربوط به اهداف کتاب: اهداف کلی، جزئی، آموزشی - کاربردی، شیوه پژوهش و تنظیم اثر، ضرورت و اهمیت، پیشینه و نقد و معرفی آثار مشابه، ویژگی‌های متمایز این اثر، تعریف اصطلاحات تخصصی کتاب، شیوه مورخان گذشته در نگارش آثار تاریخی به‌روشنی بحث می‌شد. هرچند در پنج صفحه پیش‌گفتار به برخی از این موارد اشاراتی شده، چون فاقد عنوان است توجه خواننده را به پیش‌گفتار جلب نمی‌کند؛
- کتاب هیچ عنوان فرعی ندارد. در هر فصل همه مطالب ذیل عنوان اصلی مطرح شده است. درحالی‌که در هر فصل به تناسب می‌توان عناوین فرعی چون تاریخ سلسله‌ای، تاریخ عمومی، تاریخ محلی، منشآت، منابع جغرافیایی، سفرنامه‌ها، آثار گم‌شده، منابع اداری، تذکره‌ها، آثار ادبی، و متون دینی را قرار داد که موجب تنوع و مانع خستگی خواننده از مطالعه شود؛
- از اصطلاحات تخصصی در کتاب تعریفی ارائه نشده است؛ مانند منبع، مآخذ، پژوهش، تفاوت منبع و پژوهش، تاریخ سلسله‌ای، تاریخ عمومی، تاریخ محلی، منابع

جغرافیایی، منابع سفرنامه‌ای، منشآت، اشکال و انواع هریک، ویژگی این منابع، اهداف و جایگاه آن‌ها، رویکردهای تاریخ‌نگاری مورخان ایرانی؛

- به‌روشنی مشخص نیست که در هر دوره تاریخی، آثاری که در همان زمان پدید آمده مورد نظر نویسنده است یا منابع دوره‌های بعد که درباره دوره‌های پیشین نیز مطلبی آورده است. بر مبنای روش موجود در کتاب، دیدگاه دوم به کار رفته است؛ یعنی شیوه نویسنده در معرفی منابع هر دوره چنین است که افزون بر منابع تاریخی آن دوره، منابع قرن‌های بعد را نیز که به دوره‌های پیش از خود اشاره‌ای هرچند کوتاه دارند، معرفی کرده است. در نتیجه، برخی از منابع (که درباره آن دوره است نه خاص آن دوره) بارها در کتاب تکرار شده و هر بار توضیحاتی اجمالی درباره آن‌ها آمده است. از این رو، آگاهی‌های یک اثر در فصول مختلف پراکنده شده است. از سویی، خواننده در تفکیک منابع اصلی هر دوره با منابعی از دوره‌های بعد که درباره آن دوره است دچار سردرگمی می‌شود و به درستی نمی‌داند که منابع اصلی هر دوره در اشکال مختلف آن کدام است. در حالی که در آثار مشابه که از آنان یاد شد، در هر دوره تاریخی، منابع اصلی همان دوره ذکر شده و این انسجام در ذهن خواننده برقرار می‌شود. برای نمونه کامل ابن‌اثیر که در زمره منابع عصر مغول است در فصول پیشین از طاهریان و صفاریان تا مغول بارها به عنوان منبع این دوره‌ها نیز مطرح و هر بار اشاره‌ای اجمالی به آن شده است (ص ۸، ۳۴، ۳۹، ۵۱، ۶۲، ۶۵، ۷۰، ۷۵)، یا کتاب گم‌شده تجارب‌المشارق ابن‌فندق (ص ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۵۲، ۶۲، ۶۵، ۶۶)، منتظم ابن جوزی (ص ۸، ۳۴، ۳۹، ۵۱، ۶۶)، تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار (ص ۱۴، ۲۷، ۴۱، ۵۴، ۶۷)، زین‌الخبار (ص ۱۰، ۲۵، ۳۳، ۳۸)، تاریخ بخارا (ص ۱۲، ۲۶، ۵۴، ۶۶)، مجمل‌التواریخ و القصص (ص ۱۰، ۲۵، ۳۴، ۳۹) و سایر منابع به همین نحو؛

- در فصول کتاب به منابع هر دوره پرداخته شده، اما درباره ساختار ابواب و محتویات منابع بحثی نشده است. بدین معنا که مخاطب با نام تعدادی از منابع در هر دوره آشنا می‌شود، اما با سبک تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری مورخان و هر دوره تاریخی آشنایی پیدا نمی‌کند، چون در این باره مطلبی طرح نشده است؛

- به لحاظ مشابهت فصول، اهداف تعیین شده هر فصل تقریباً با دوره‌های دیگر مشابه است و این فرمول برای همه فصل‌ها مطرح شده است؛

- کتاب فاقد جمع‌بندی و نتیجه‌گیری جزئی و معرفی منابع برای مطالعه بیشتر و پیش‌نهاد پژوهش در آخر هر فصل و نیز فاقد نتیجه‌گیری کلی و پیش‌نهادها در آخر کتاب است. نیز هیچ نوع جدول، نمودار، نقشه، و تصویر ندارد؛
- هیچ‌یک از دوره‌های تاریخی که عنوان فصل‌های کتاب است، تاریخ ندارند و مخاطب با محدوده زمانی این دوره‌ها آشنایی نمی‌یابد. بهتر بود که تاریخ آغاز و فرجام هر سلسله در پراکنش در کنار عناوین فصل‌ها ذکر می‌شد؛
- محدوده مکانی سلسله‌های مختلف که در متن آمده‌اند مشخص نشده‌اند و مخاطب نمی‌داند که این سلسله‌ها در چه محدوده جغرافیایی حکم‌روایی داشته‌اند، چنان‌که محدوده زمانی آن‌ها نیز مشخص نشده است؛
- هیچ توضیح اجمالی درباره سلسله‌ها در آغاز هر فصل نیامده است و به آگاهی تاریخی مخاطبان واگذار شده است. شاید برای اهل تاریخ چندان ضروری نباشد، اما برای غیراهل تاریخ چندان آگاهی در این زمینه به‌دست نمی‌دهد؛
- گاه باین‌که در هر دوره منابع به تفکیک مطرح و توضیح داده شده، پیش‌از آن یک‌جا فهرست شده‌اند که نیازی به این تکرار نیست (برای نمونه، ص ۱۲)؛
- باین‌که چند واحد درسی رشته تاریخ مربوط به دوره پهلوی است، نویسنده درباره نپرداختن به این دوره توضیحی نداده است و تاریخ ایران بعد از اسلام را به قاجار پایان داده است؛
- باین‌که منابع هر دوره از نظر تنوع غیر از منابع مکتوب، شامل منابع مادی (آثار باستانی)، مسکوکات، اشیا و موزه‌ها، کتیبه‌ها و آثار ترسیمی است که تکیه نویسنده در این کتاب تنها بر آثار نوشتاری بوده، اما در دوره قاجار به مطبوعات، یعنی روزنامه‌ها، مجلات، شب‌نامه‌ها، سال‌نامه‌ها، اسناد بین‌المللی، که در این زمره قرار می‌گیرند، اشاره‌ای نکرده است. به موضوع آرشیو و مجموعه اسناد آرشیوی مراکز گوناگون و به آرشیوهای سمعی و بصری درباره حوادث این دوره، شامل مذاکرات مجلس، نپرداخته است؛
- باین‌که در کتاب منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی تألیف غلامرضا وره‌رام، نظام حکومت ایران در دوران اسلامی از صدر اسلام تا عصر مغول تألیف مریم میراحمدی، نظام حکومت ایران در دوران اسلامی از عصر مغول تا پایان قاجاریه تألیف غلامرضا وره‌رام، تاریخ‌نگاری در ایران نوشته اشپولر و دیگران، به همین شیوه

منابع هر دوره تاریخی ذکر شده، در کتاب حاضر اشاره‌ای به این پژوهش‌ها نشده و نوآوری کتاب در همین دوره‌بندی تاریخی ذکر شده است. شایسته بود در بخشی از کتاب به پیشینه موضوع به حد کفایت پرداخته می‌شد و این نوع نوشته‌ها نقد و بررسی می‌شد و تفاوت و تمایز اثر فعلی با آن‌ها آشکارا بیان می‌شد. این شیوه به‌خوبی در کتاب ترکمنی‌آذر رعایت شده است. وی پیشینه‌ای تفصیلی شامل کتاب‌های تحقیقی، مقالات، مقالاتی با موضوع علم تاریخ، مقالاتی با موضوع تاریخ‌نگاری اسلامی، مقالاتی با موضوع تاریخ‌نگاری ایرانیان، آورده که حاوی نکات مفیدی است (ترکمنی‌آذر ۱۳۹۲: ۸-۱۹). درباره علم تاریخ، تاریخ‌نگاری در اسلام و ایران، نقد و بررسی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری مورخان مسلمان، شناخت منابع و مآخذ تاریخی، مجموعه مقالات، کتاب‌ها، و مقالات فراوانی انتشار یافته است که نام‌بردن از همه آن‌ها به فهرست طولی می‌انجامد. نویسنده توانای کتاب حاضر کم‌تر به این نوع نوشته‌ها توجه کرده و بیش‌تر به معرفی آثار و محتوای اجمالی آن‌ها با بررسی شخصی بسنده کرده است؛

- نمونه‌سؤالات همه فصول حفظی و توصیفی طرح شده‌اند و سؤال تحلیلی و تفهیمی برای افزایش قدرت تفکر و خلاقیت دانشجویان طرح نشده است. هیچ سؤالی که قدرت نقد دانشجو را تقویت کند طرح نشده است؛
- در هیچ فصلی، فعالیت پژوهشی و نقد درباره منابع یا مقایسه منابع از دانشجویان خواسته نشده است. بنابراین فعالیت عملی دانشجو در درس نادیده گرفته شده است؛
- هیچ‌یک از عناوین آثار سیاحان خارجی (سفرنامه‌ها) معادل لاتینی آن‌ها قید نشده است و بهتر بود که این معادل‌گذاری برای تلفظ صحیح اسامی ذکر می‌شد؛
- پژوهش‌های جدید معرفی شده در هر فصل هیچ‌یک کتاب‌شناختی تفصیلی و حتی جزئی (که ذکر سال چاپ است) ندارند. از سویی، فهرست این پژوهش‌ها در هر دوره به‌اختصار و گاه ناقص آمده و هیچ‌یک کامل نیست. درحالی‌که از منابع بهتری می‌شد نام برد؛
- در برخی فصول، زمان نگارش کتاب‌های معرفی شده ذکر نشده است؛ برای نمونه، فصل خوارزمشاهیان و فصل مغولان، شاید به دلیل این‌که بیش‌تر این کتاب‌ها در فصول پیشین برای دوره‌های دیگر معرفی شده‌اند. بنابراین، در کتاب بسیاری از منابع معرفی شده تاریخ تألیفشان نیامده است؛

- بسیاری از کتاب‌ها که عنوان عربی و ترکیبی دارند، معانی آن‌ها ذکر نشده است و بهتر بود برای آگاهی دانشجویان این کار صورت می‌گرفت؛ مواردی چون معجم البلدان، تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار، لباب الالباب، روضات الجنات، عرایس الخواطر، ابکار الافکار، التوسل الی الترسل، سمط العلی للحضرة العلیا، تجارب الامم و تعاقب الهمم، مشارب التجارب و غوارب الغرایب، نسائم الاسحار من لطائف الاخبار، نفثة المصدور فی فتور زمان الصدور و صدور زمان الفتور، راحة الصدور و آية السرور، زبدة النصرة و نخبة العصرة، فضایل الانام، اغراض السياسة فی اعراض الرياسة، عتبه الكتبة، جوامع الحکایات و لوازم الروایات، تجارب السلف، مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان، مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار، عقد العلی للموقف الاعلی، العراضة فی الحکایة الساجوقیة، زین الاخبار، نصرة الفترة و عصره الفطرة، المنتظم، زبدة التواریخ، زبدة النصرة و نخبة العصرة، وفيات الاعیان فی انباء ابناء الزمان، مناقب الشعراء، مرآة الجنان و عبرة الیقضان، یتیمة الدهر فی محاسن اهل العصر، روضة الصفا، حبیب السیر، ارشاد الاریب الی معرفة الادیب، السیاق، سوانح الافکار، مرآة الزمان، مروج الذهب و معادن الجوهر، مطلع سعدین و مجمع بحرین، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، الاعلاق النفیسه، المسالک و الممالک، الاخبار الطوال، عیون الاخبار، مختصر الدول، تحفة النظر فی غریب الامصار و الاسفار، روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب، اربع الواس، شجرة الانراک، معز الانساب، ملفوظات، تزوکات، عجایب المقذور فی نوائب تیمور، منتخب التواریخ، مجمل التواریخ، سمریة؛

- در میان منشآت و نوشته‌های اداری قرن هشتم از کتاب دستور الکاتب فی تعیین المراتب، تألیف محمد بن هندوشاه نخجوانی (ج ۱ و ۲، به سعی و اهتمام و تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، مسکو، فرهنگستان علوم جمهوری شوروی، انستیتوی خاورشناسی، ۱۹۶۴، ۱۹۶۷)، ذکری به میان نیآورده است؛

- در ص ۱۸ و ۱۹ در میان آثار جغرافیایی از اشکال العالم یاد نکرده است. در ص ۲۰، از زین‌العابدین شیروانی فقط کتاب *بستان‌السیاحه* را ذکر کرده، در حالی که وی دو کتاب دیگر نیز دارد که به آن‌ها اشاره نشده است و عبارت‌اند از *ریاض‌السیاحه*، به تصحیح اصغر حامد ربانی، تهران، انتشارات سعدی، ۱۳۳۹. *حدائق‌السیاحه*، تهران، سازمان چاپ و دانشگاه، ۱۳۴۸؛

- از نسخه‌های خطی کم‌تر نام برده شده است؛

- در هر فصل برخی از منابع فقط به ذکر عنوان و مؤلف آن‌ها در متن بسنده شده و در ارجاع، مشخصات کتاب‌شناختی آن‌ها آمده است. بهتر بود برای پرهیز از تکرار، همان مشخصات کتاب‌شناختی برای این نوع منابع در ادامه متن می‌آمد؛
- در ص ۷، سطر ۲ اشاره شده که کتاب *اخبار الزمان* مسعودی از میان رفته و به دست ما نرسیده است، درحالی‌که نسخه‌ای چاپی از این اثر (احتمالاً بخشی از آن) منتشر شده و در دسترس است؛ علی بن حسین مسعودی، *اخبار الزمان*، ترجمه کریم زمانی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰؛
- ص ۱۶ عنوان کتاب چاپ‌شده ابن خردادبه *المسالك و الممالک* است که در سطر آخر این صفحه و ارجاع ۱، ص ۱۷، *مسالك و ممالک* آمده است؛
- کتاب *مرآة الزمان* ابن جوزی در صفحات ۳۲، ۳۴، ۵۲ به عنوان منبع ذکر شده، اما مشخصات کتاب‌شناختی آن ذکر نشده است؛
- در ص ۸۲ تا ۸۳ در ذکر منابع تاریخ محلی از کتاب *دفتر دلگشا؛ در احوال ملوک شهبانکاره*، تألیف قرن هشتم هجری، اشاره‌ای نشده است. صاحب شهبانکاره‌ای، *دفتر دلگشا؛ در احوال ملوک شهبانکاره*، مسکو، فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان، شعبه خاورشناسی و آثار ادبی، ۱۹۶۵. چاپ جدید آن است: همان، به تصحیح و بررسی غلامحسین مهربانی و پروانه کیانی، شیراز، آوند اندیشه، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۹؛
- در دوره تیموریان به کتاب *مهم جغرافیای حافظ ابرو* اشاره نشده است؛
- در ص ۱۰۱، سطر ۱۸، عنوان کتاب *عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرین* نادرست است و به صورت *مطلع سعدین و مجمع بحرین* درست است؛
- در مبحث سفرنامه‌های اروپاییان عصر صفویه به کتاب مشهور *رافائل دومان* اشاره نکرده است:

Pere Raphael Du Mans, *L' Estate de la Perse en ۱۶۶۰*, Ch. Schefer (ed.), Paris, ۱۸۸۰;

- ص ۱۰۳ از کتاب *فتوحات همایون سیاقی نظام (نظام‌الدین علی شیرازی)* چاپ جدیدی به تصحیح حسن زندیه (قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اصفهان، قطب علمی مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در عصر صفویه، ۱۳۹۳) منتشر شده است؛
- در دوره صفویه، از کتاب *بدايع الاخبار (وقایع بهبهان در زمان حمله محمود افغان)*، تألیف میرزا عبدالنبی شیخ‌الاسلام بهبهانی، مقدمه و تصحیح و توضیحات

سعید میرمحمدصادق، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۹ و نیز شرف‌نامه؛ مکاتبات دیوانی ایالت فارس و لارستان در دوره صفویه، روح‌الله لاری شیرازی، تصحیح و تحقیق محمدباقر وثوقی با همکاری خدیجه عالمی و منوچهر ایزدینا، تهران، کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ یاد نشده است؛

- در ص ۱۵۶، از کتاب آثار جعفری چاپ جدیدی منتشر شده است: محمدجعفر خورموجی، آثار جعفری، به تصحیح احمد شعبانی، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۰؛
- در ص ۱۵۶، در معرفی تاریخ‌های محلی فارس، کتاب آثارالرضا؛ در تاریخ جغرافیای شیراز و کازرون، صدرالسادات سلامی کازرونی، پژوهش زهرا خوش‌بویی و موسی مطهری‌زاده، تهران، کازرونیه، ۱۳۸۱ اشاره نشده است؛
- در ص ۱۵۷، از تاریخ بوشهر، اثر شیخ محمدحسین سعادت که بدون مشخصات کتاب‌شناختی آمده چاپی جدید منتشر شده است: محمدحسین سعادت کازرونی، تاریخ بوشهر، تصحیح و تحقیق عبدالرسول خیراندیش، عمادالدین شیخ‌الحکمایی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، کازرونیه، ۱۳۹۰؛
- در ص ۱۶۴، سفرنامه جیمز موریه به فارسی ترجمه شده است؛ موریه، جیمز جاستی، سفرنامه جیمز موریه، سفر یکم از راه ایران، ارمنستان و آسیای کوچک به قسطنطنیه، ۱۸۰۹-۱۸۰۸ م، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۸۶؛
- در ص ۱۷۱، سفرنامه عبدالفتاح گرمودی به سفرنامه ممسنی نیز معروف است و چاپ شده است: میرزا فتاح‌خان گرمودی، سفرنامه ممسنی، به کوشش فتح‌الدین فتاحی، چاپ دوم، تهران، مستوفی، ۱۳۷۰؛
- در ص ۱۷۱، از سفرنامه‌های دوره محمدشاه قاجار، دو سفرنامه از جنوب ایران در سال‌های ۱۲۵۶-۱۳۰۷ ق (به تصحیح و اهتمام علی آل‌داوود، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸) نیز قابل ذکر است که در کتاب نیامده است؛
- بسیاری از منابع هر دوره فقط از آنان نام برده شده و به اشاره‌ای گذرا اکتفا شده است و توضیح و تفصیلی درباره آن‌ها نیامده است. در واقع، بسیاری جاها به همین اندازه که «می‌تواند اطلاعاتی در اختیار قرار دهد» در معرفی اثر کفایت شده و این‌که منابع مذکور چه اطلاعاتی و در چه حوزه‌هایی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) و چه مقدار در اختیار قرار می‌دهند، مشخص نشده است؛

- در بسیاری از موارد، در معرفی منابع از عبارات آگاهی‌های گران‌قیمتی، اطلاعات گران‌قدری، ارزش‌مندی، سودمندی، مفیدی، ذی‌قیمتی، گران‌سنگی به‌دست داده، استفاده یا منبعی گران‌سنگ، ارزش‌مند، بسیار ارزش‌مند و به همین عبارات بسنده شده و اطلاعات دیگری مطرح نشده است. ضمن این‌که نگارش این عبارات دوجزئی یک‌سان نیست. گاهی از هم جدا و گاهی سرهم آمده است؛ اهمیت شایانی (فراوانی، بسیار) (ص ۴، ۱۵، ۷۰، ۹۲، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۱)، اهمیتی خاص (ص ۸۳)، ارزش‌مند (ص ۲، ۱۲، ۲۲، ۶۸، ۸۳، ۸۸، ۹۲، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰)، اثر ارزنده (ص ۱۰۳)، گران‌قدر (ص ۵، ۸، ۱۷، ۱۸، ۳۹، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۸۱، ۸۲، ۱۱۹، ۱۶۰، ۱۶۷)، کتابی ارزشمند (ص ۱۰۹)، کتابی مهم (ص ۱۰۸، ۱۲۲، ۱۶۶، ۱۷۳)، اطلاعات گران‌قیمتی (ص ۷، ۶۳، ۱۰۶)، گران‌بها (ص ۱۱۰، ۱۱۹۹)، ارزش فراوانی (ص ۸۹)، مفید (ص ۸، ۴۰، ۴۳، ۶۸، ۹۱، ۱۲۲، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۶۷)، قابل‌اعتنا (ص ۱۱، ۹۲، ۱۰۵)، گزارش‌هایی گران‌بها (ص ۸۱، ۱۰۲)، آگاهی‌های گران‌بهایی (ص ۱۲، ۷۱، ۷۴، ۱۱۷)، اطلاعات گران‌بهایی (ص ۷۹، ۸۹، ۱۶۷)، گران‌سنگ (ص ۱۳، ۲۰، ۶۲، ۷۶، ۹۲، ۱۲۶، ۱۵۷)، گزارش‌های گران‌سنگی (ص ۱۳، ۱۷)، آگاهی‌های سودمندی (ص ۱۵، ۱۶، ۷۸، ۱۵۲، ۱۶۴)، گزارش‌های سودمندی (ص ۱۶، ۲۷، ۳۵، ۶۴، ۱۱۸)، آگاهی‌های ارزش‌مندی (ص ۱۹، ۴۱)، آگاهی‌های گسترده (ص ۲۰)، اطلاعات ارزش‌مندی (ص ۲۶)، مطالبی ارزش‌مند (ص ۳۴)، سودمند (ص ۳۴، ۳۵، ۵۱، ۵۷، ۶۸، ۹۱، ۹۳، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۰-۱۳۵، ۱۵۷-۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۷-۱۷۲، ۱۷۶)، منبعی ارزش‌مند (ص ۳۹، ۶۷)، اطلاعات مفیدی (ص ۳۹، ۵۳، ۱۵۰)، اشارات مفید (ص ۴۰)، گزارش‌های ارزنده‌ای (ص ۴۱)، اطلاعات سودمندی (ص ۴۱، ۱۲۳)، پژوهش‌های سودمندی (ص ۱۷۶)، منبع سودمندی (ص ۴۲، ۴۳، ۵۸، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۶۳)، مطالب سودمند (ص ۵۵)، گزارش‌های مفیدی (ص ۶۴، ۶۶، ۱۶۰، ۱۶۴)، گزارش‌هایی دقیق (ص ۱۱۱، ۱۶۵)، گزارش پرمایه (ص ۱۱۷)، گزارشی سودمند (ص ۱۳۴، ۱۵۰، ۱۶۵)؛

- در کتاب‌نامه پایانی با این‌که فهرست نسخه‌های خطی و مقالات جداگانه آمده، سایر منابع و مآخذ تفکیک نشده و همه یک‌جا، ذیل عنوان کتاب‌نامه، فهرست شده‌اند. درحالی‌که کتاب‌نامه شامل سایر عناوین فرعی هم می‌شود و این‌جا می‌بایست با شماره‌گذاری یا حروف ابجد تقسیم‌بندی صورت می‌گرفت و کتاب‌نامه عنوان کلی

می‌شد. بهتر بود که کتاب‌نامه بر طبق منابع تاریخی، سفرنامه‌ها، پژوهش‌های جدید، مقالات و ... دسته‌بندی می‌شد.

- بهتر بود از این کتاب‌ها نیز در جای خود یاد می‌شد: *سفرنامه ابودلف در ایران*، تألیف در قرن چهارم هجری قمری (چاپ ۱۳۵۴)؛ *سفرنامه ناصر خسرو*، تألیف در قرن پنجم هجری قمری (چاپ ۱۳۶۷)؛ *عجایب‌نامه (عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات)*، نوشته محمد بن محمود همدانی در قرن ششم هجری قمری (چاپ ۱۳۶۷)؛ *جهان‌نامه محمد بن نجیب بکران*، تألیف در قرن هفتم هجری قمری (چاپ ۱۳۴۳)؛ *برگزیده مشترک یاقوت حموی* (چاپ ۱۳۶۲)؛ *مراصد الاطلاع صفی‌الدین عبدالؤمن البغدادی*، تألیف در قرن هشتم هجری قمری (چاپ ۱۳۷۳-۱۳۷۴ ق)؛ *نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر*، تألیف شمس‌الدین محمد بن ابی طالب انصاری دمشقی، در قرن هشتم هجری قمری (چاپ ۱۳۸۲)؛ *تقویم البلدان ابوالفداء*، تألیف در قرن هشتم هجری قمری (چاپ ۱۳۴۹)؛ *شیرازنامه زرکوب شیرازی*، تألیف در قرن هشتم هجری قمری (چاپ ۱۳۵۰ و چاپ جدید ۱۳۸۹)؛ *هفت کشور (صور الاقالیم)*، مؤلف گم‌نام و تألیف‌شده در قرن هشتم هجری قمری (۱۳۵۳)؛ *شدة الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار جنید شیرازی* (چاپ ۱۳۲۸)؛ *تذکره هزار مزار ترجمه شدة الازار؛ مزارات شیراز*، تألیف‌شده در قرن هشتم هجری قمری (چاپ ۱۳۶۴)؛ *مآثر الملوک، به انضمام خلاصه الاخبار و قانون‌نامه هما یونی* از غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی خواندمیر، تألیف در قرن دهم هجری قمری (چاپ ۱۳۷۲)؛ *خلاصه البلدان (در جغرافیای قم)*، از صفی‌الدین محمد بن محمد هاشم حسینی قمی، تألیف در قرن یازدهم هجری قمری (چاپ ۱۳۹۶ ق)؛ *تذکره دلگشا از علی‌اکبر نواب شیرازی «بسمل»*، تألیف در قرن سیزدهم هجری قمری (چاپ ۱۳۷۱)؛ *مرآت الاحوال جهان‌نما*، تألیف آقا احمد بن محمدعلی بهبهانی، تألیف در قرن سیزدهم هجری قمری (چاپ ۱۳۷۰)؛ *سفرنامه مکه مهدی‌قلی هدایت (مخبر السلطنه)*، تألیف در قرن چهاردهم هجری قمری (چاپ ۱۳۶۸)؛ *سفرنامه سدیدالسلطنه*، به نام *التلخیص فی سیر الطریق*، محمدعلی خان سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، تألیف در قرن چهاردهم هجری قمری (چاپ ۱۳۶۲)؛ *سفرنامه اصفهان میرزا غلام‌حسین افضل‌الملک*، تألیف در قرن چهاردهم هجری قمری (چاپ ۱۳۸۰)؛ *سرگذشت مسعودی*، نوشته مسعود میرزا ظل‌السلطان (چاپ ۱۳۶۸)؛ *گزارش ایران؛ قاجاریه و مشروطیت*، از رضاقلی خان هدایت، ملقب به مخبرالسلطنه (چاپ ۱۳۶۳)؛

- برخی از غلط‌های نگارشی در متن دیده می‌شود که فهرست آن‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. برخی غلط‌های نگارشی در متن و درست‌نویسی آن‌ها

شماره صفحه	سطر	ارجاع	نگارش نادرست	نگارش درست
۴		۲	ینوری	دینوری
۶	۱۶		نگار شکارهای	نگارش کارهای
۶	۲۲		حمز	حمزه
۶		۲	ابولقاسم	ابوالقاسم
۷		۱	ابولحسن	ابوالحسن
۷		۲	ابولقاسم	ابوالقاسم
۸	۱۵		الاممابن جوزی	الامم ابن جوزی
۹		۱	ابولقاسم	ابوالقاسم
۹		۴	موسسه	مؤسسه
۱۰	۱۰		(۴۴۱-۴۴۴ ق.)	(۴۴۱-۴۴۴ ق.)
۱۱	۱۹		پدید آمد	پدید آمدن
۱۱	۲۱		در پیامد	در پی آمد
۱۳	۷		موضوعات	موضوعات
۱۳	۱۳		مسلمانان	مسلمان
۱۵	۱۴		آنهارا	آن‌ها را
۱۷		۱	خرداد به	خرداد به
۱۸	۷		صورت الارض	صورة الارض
۱۸		۴	مولفان	مؤلفان
۱۹		۴	جوزجان	جوزجانان
۲۴	۴		برآمدهی	برآمده‌ای
۲۸		۴	به نشر	به‌نشر
۲۶		۳	تاریخ بخار	تاریخ بخارا
۳۱	۵		جدیدمرتبط	جدید مرتبط
۳۲	۲		که به وسیله	به وسیله
۳۳	۲۰		سلسله‌های	سلسله‌های

شماره صفحه	سطر	ارجاع	نگارش نادرست	نگارش درست
۳۵	۱۳		امرزی	امرزی
۳۶	۱۴		تاریخ سامانیان	تاریخ آل بویه
۴۱	۱۵		وزاء	وزراء
۴۲	۱۵		دوران‌های	دوره‌های، دوران
۴۳	۲		باخزری	باخزری
۵۱		۳	بتصحیح	به تصحیح
۵۲	۱۰		مراه الزمان	مرآة الزمان
۵۳	۲		قوم‌الدین	قوم‌الدین
۵۶	۴		وطواط	وطواط
۶۲	۲		در ازای	درازی
۶۷		۵	نہجریان	نه در جریان
۶۹		۳	دور	دوره
۷۴	۸		غالب	قالب
۷۵	۲۲		خود گزارش	خود گزارش
۷۸	۱۲		روی دادهای	روی دادهای
۷۸	۳		آگاهی هائی	آگاهی‌هایی
۷۹		۲	نوائی	نوایی
۸۱	۲۳		استو	است و
۸۲	۱۲		فضل‌اله	فضل‌الله
۸۲	۱۲		وقفیه	وقفیه
۸۷	۱۳		در بار	دربار
۸۷	۱۵		در بار	دربار
۸۷	۱۹		باز تاب	بازتاب
۸۷	۱۹		در باری	درباری
۸۹	۱۹		بر خوردار	برخوردار
۸۹		۱	عزیزاله	عزیزالله
۹۰	۴		و صاف	وصاف
۹۰	۱۰		بر خوردار	برخوردار
۹۱	۱۲		مدینه‌هرات	مدینه هرات
۹۱		۱	العقیلی	عقیلی

شماره صفحه	سطر	ارجاع	نگارش نادرست	نگارش درست
۹۱		۱	آثار الوزراء	آثارالوزراء
۹۲		۴	داران	دارن
۹۸	۱۳		تاریخها	تاریخهای
۹۹	۹		گمانمی رود	گمان می رود
۱۰۲	۲۱		دیوانسالارانی	دیوان سالار
۱۰۴		۱	تارخ	تاریخ
۱۰۴		۲	تارخ	تاریخ
۱۰۸		۱	بیرسیاقی	دبیرسیاقی
۱۱۱	۱۸		گزارشهایی	گزارشهایی
۱۱۲	۱۷		ادوارد زولارنس	ادواردز و لارنس
۱۱۳	۱۹		روبرت	رابرت
۱۱۳	۱۵		جنگها بود	جنگها بود
۱۱۴	۵		داسیلوا	د سیلوا
۱۱۵	۱۸		این درباره	دراین باره
۱۱۵	۲۳		یک ا	یک جا
۱۱۵		۱	اولنا ریوس (۲ بار)	اولناریوس
۱۱۵		۱	کرد بچه	کردبچه
۱۱۵		۲	تاورینه (۲ بار)	تاورینه
۱۱۷	۱۶		آگاهی هائی	آگاهیهایی
۱۱۷		۲	تادوزیو داکروسینکی	تادوزیودا کروسینسکی
۱۱۸	۸		گزارش هائی	گزارشهایی
۱۱۸	۱۲		رادر	را در
۱۱۹		۴	موسسه	مؤسسه
۱۲۲	۱۵		آگاهی هائی	آگاهیهایی
۱۲۲	۱۶		صفویهاست	صفویه است
۱۲۳		۱	موسسه	مؤسسه
۱۲۳		۴	پازیری	پازیری
۱۲۴	۳		مجالس المومنین	مجالس المؤمنین
۱۲۷	۲۳		هانسروبرت	هانس روبرت

شماره صفحه	سطر	ارجاع	نگارش نادرست	نگارش درست
۱۳۰	۵		مجمع التواریخ سلطانیه	مجمع التواریخ
۱۳۲	۱۳		مؤلفی	مؤلفی
۱۳۵	۱		بازپس گیری	بازپس گیری
۱۳۸		۱	باهتمام	باهتمام
۱۴۰	۲۰		دیر باز	دیر باز
۱۴۱	۱۴		ریاضی دان	ریاضی دان
۱۴۱	۱۷		ایران است	ایران است
۱۴۱		۱	رستگاری	رستگار
۱۴۲		۱	کارستن نیبور	کارستن نیبور
۱۴۳		۳	سفرنامه هانک	سفرنامه‌ها ن.ک.
۱۴۵	۱۵		روزنامه نگاری	روزنامه نگاری
۱۴۷	۱۶		فتعلی	فتحعلی
۱۴۸	۱۴		فتعلیشاه	فتحعلی شاه
۱۵۰	۵		گزارش هائی	گزارش‌هایی
۱۵۳	۱۸		ناصر الدین	ناصر الدین
۱۵۵	۵		هر این کتاب چند	هر چند این کتاب
۱۵۶	۱۶		جغرافیا	جغرافیای
۱۵۶	۱۱		فسانی	فسایی
۱۵۷		۳	تصحیح	تصحیح
۱۵۹		۱	محدرضا	محمدرضا
۱۵۹		۲	مؤسسه	مؤسسه
۱۶۱		۱	دارلسلطنه	دارالسلطنه
۱۶۲		۲	تاکید	تأکید
۱۶۴	۸		درویل	دروویل
۱۶۴	۱۰		گزارش ویلیام	گزارش ویلیام
۱۶۴	۱۷		آگاهی هائی	آگاهی‌هایی
۱۶۴	۱۷		سومندبه دست	سودمند به دست
۱۶۴		۴	تره زل	تره زل
۱۶۵	۲۰		ماموریت های	مأموریت‌های
۱۶۶	۱۳		ترکستانو	ترکستان و

شماره صفحه	سطر	ارجاع	نگارش نادرست	نگارش درست
۱۶۷		۲	کرد بچه	کرد بچه
۱۶۷	۱۰		ایارن	ایران
۱۶۸		۷	میزرا	میرزا
۱۶۹	۱۴		غنائی	غنایی
۱۷۰	۱		بی مانند	بی مانند
۱۷۰	۷		ترقی خواهی	ترقی خواهی
۱۷۱	۱		آگاهی بخشی	آگاهی بخشی
۱۷۲	۳		سفر دوم	سفر سوم
۱۷۳	۲۰		کارگزارن	کارگزاران
۱۷۴		۳	چاپدگیری	چاپ دیگری
۱۷۵	۳۳		عزیزاله	عزیز الله
۱۷۹	۱۴		ابولقاسم	ابوالقاسم
۱۸۱	۲		محدرضا	محمدرضا
۱۸۲	۳۲		خدا پرست	خداپرست
۱۸۳	۱۳		تاورینه (۲ بار)	تاورینه
۱۸۳	۲۵		یادداشت‌ها	یادداشت‌های
۱۸۵	۹		رستگاری	رستگار
۱۹۰	۳۱		موسسه	مؤسسه
۱۹۲	۳۶		دبیر سیانی	دبیر سیاقی
۱۹۳	۹		پازیری	پازیزی
۱۹۳	۱۵		موسسه	مؤسسه
۱۹۳	۱۷		مولغان	مؤلفان
۱۹۳	۲۶		تارخ	تاریخ
۱۹۳	۲۸		تارخ	تاریخ
۱۹۴	۵		موسویو	موسوی و
۱۹۴	۲۲		روزنام	روزنامه
۱۹۳	۷		ابولحسن	ابوالحسن
۱۹۶	۲۸		موسسه	مؤسسه

۲.۲.۴ نقد برون‌ساختاری

۱.۲.۲.۴ بررسی میزان سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های مفروض اثر

محتوای اثر با آنچه در عنوان و فهرست‌های هر فصل آمده مطابقت دارد. در هر دوره تاریخی، که براساس هدف کتاب بنا بوده، منابع آن دوره در اشکال مرسوم معرفی می‌شوند و این روند به‌خوبی در این کتاب انجام گرفته است. طبیعی است که تنوع این منابع در هر دوره اندکی با دوره دیگر تفاوت دارد. برخی منابع مانند تاریخ سلسله‌ای، تاریخ عمومی، و تاریخ محلی اغلب برای همه دوره‌ها یک‌سان، اما برخی از انواع منابع نظیر فتوح، اسناد، و منشآت متفاوت است و لزوماً همه دوره‌ها همه این نوع منابع را ندارند.

در مجموع، محتوا و موضوع این اثر در جنبه شناخت و معرفی منابع دوره‌های مختلف تاریخ ایران بعد از اسلام، با اهداف درس «شناخت و نقد منابع تاریخ ایران بعد از اسلام» تناسب دارد و حجم کتاب با این دو واحد درسی و نیز با سرفصل آن تناسب دارد، هرچند در برنامه معمول رشته تاریخ دانشگاه‌ها به‌دلیل اختیاری‌بودن این درس سرفصل مشخصی برای آن تعریف نشده است.

۲.۲.۲.۴ بررسی میزان سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی

محتوای کتاب با مبانی دینی و اسلامی مغایرتی ندارد و از آن‌جاکه شناخت و معرفی منابع تاریخی است در شناخت بخشی از فرهنگ و تمدن اسلامی که تاریخ و تاریخ‌نگاری است، مدد می‌رساند.

معرفی تعداد بسیاری از مورخان اسلامی - ایرانی، معرفی انبوهی از کتاب‌های تاریخی در اشکال متنوع تاریخ‌نگاری، بیان ویژگی‌های برخی از این آثار به آشکارشدن گوشه‌ای از فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی کمک می‌کند و این‌که چگونه مسلمین و به‌ویژه ایرانیان در خلق آثار علمی و نگارش کتاب موفق عمل کرده و با همین آثار، هم حوادث گذشته تاریخ خویش را ثبت و ضبط کرده‌اند و به نسل‌های پس از خود منتقل کرده‌اند و هم کتاب‌خانه‌های مراکز علمی اسلامی را رونق بخشیده‌اند. در نگاهی کلی، رویکرد اثر درقبال فرهنگ اسلامی مثبت است و از این جهت که گوشه‌ای از حیات علمی و تمدنی ایران اسلامی را نمایانده است، بخشی از نیاز علمی جامعه اسلامی امروز را در بُعد تاریخ برآورده کرده است.

۵. نتیجه گیری

در مجموع، این کتاب به شرحی که آمد، امتیازات و کاستی‌هایی دارد، اما با داشتن ویژگی‌های کتاب درسی، در زمینه آشنایی دانشجویان تاریخ با منابع تاریخی ایران بعد از اسلام، کتاب ارزش‌مندی به‌شمار می‌رود و هیچ‌یک از مواردی که در کاستی‌های کتاب، چه شکلی و چه محتوایی، بیان شد، از ارزش آن نمی‌کاهد، زیرا محدودیت زمانی یک نیم‌سال تحصیلی استانداردهای یک کتاب درسی، به‌ویژه از نظر حجم مطالب، محدودیت‌هایی را برای نویسنده ایجاد می‌کند که نتواند به مباحث مقدماتی گسترده یا بررسی و نقد محتوایی تمامی منابع تاریخی در یک کتاب درسی بپردازد. از این رو، ویژگی‌های مثبت کتاب امتیاز لازم را به آن داده است که برای درس دوواحدی «شناخت و نقد منابع تاریخ ایران بعد از اسلام» منبع درسی باشد. بسیاری از کاستی‌های بیان‌شده جنبه فنی و ویرایشی دارد که برعهده نویسنده نیست، بلکه برعهده مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی انتشارات دانشگاه پیام نور است.

۶. پیش‌نهادهای کاربردی

- برای هر چه بهتر شدن کتاب در چاپ‌های بعدی، چند پیش‌نهاد به این شرح ارائه می‌شود:
- در پایان هر فصل، جدولی از منابع آن دوره به تفکیک تنوع منابع آورده شود و در آخر کتاب در جدولی مقایسه‌ای، فراوانی منابع هر دوره در مقایسه با دوره دیگر مشخص شود؛
 - نقشه هر دوره تاریخی، که اساس فصول کتاب شده، فراهم شود و در آغاز هر فصل گنجانیده شود؛
 - مطالب هر فصل متناسب با عناوین فرعی تنظیم شود؛
 - در هر فصل، منابعی برای مطالعه بیشتر دانشجویان معرفی شود؛
 - در آخر هر فصل، فعالیتی پژوهشی برای دانشجویان، به‌ویژه نقد و بررسی یکی از همان منابع معرفی‌شده، پیش‌نهاد شود؛
 - منابع و مآخذ دوره پهلوی به کتاب افزوده شود؛
 - نمایه مناسبی برای کتاب (دست‌کم نمایه اسامی و اماکن) تهیه شود؛
 - غلط‌های نگارشی کتاب برطرف شود و اشکالات فنی‌ای که در این مقاله درباره این اثر مطرح شد، اصلاح شوند.

کتاب‌نامه

- آرام، محمدباقر (۱۳۸۶)، *اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی*، تهران: امیرکبیر.
- آیینه‌وند، صادق (۱۳۷۷)، *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشپولر، برتولد و دیگران (۱۳۶۰)، *تاریخ‌نگاری در ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱)، «سهم ایرانیان در تاریخ‌نگاری دوره اسلامی پیش از حمله مغول»، در: *حضور ایرانیان در جهان اسلام*، ویراسته ریچارد هوانسیان و جورج صباغ، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بیات، عزیزالله (۱۳۶۳)، *شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران*، ج ۱: *از آغاز تا سلسله صفویه*، تهران: امیرکبیر.
- بیات، عزیزالله (۱۳۷۴)، *شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران*، ج ۲: *از آغاز سلسله صفویه تا مشروطیت*، تهران: امیرکبیر.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۲)، *تاریخ‌نگاری در ایران: از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۰)، *تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ*، شیراز: نوید شیراز.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۷)، *منابع و مآخذ تاریخ صفویه*، شیراز: مپراس، دهش.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۲)، «تأملی بر جایگاه و مؤلفه‌های تاریخ‌نویسی محلی در عصر صفویه»، *پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران*، س ۱، ش ۲.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۲)، «نگرشی بر سنت تاریخ‌نویسی در ایران باستان»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، س ۲۳، ش ۱۱.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۳)، «بررسی جایگاه و اهمیت سنت تاریخ‌نویسی محلی ایرانی»، *پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران*، س ۲، ش ۲.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۴)، «ادبیات تراجم‌نگاری در متون تاریخی عصر صفویه»، *فصل‌نامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی؛ بهار ادب*، س ۸، ش ۱.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶)، *منابع تاریخ اسلام*، قم: انصاریان.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۸۲)، *بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان: از ورود آریایی‌ها تا سقوط امپراتوری ساسانی*، تهران: سمت.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۲)، *دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، قم: بوستان کتاب.
- خضر، عبدالعظیم عبدالرحمن (۱۳۸۹)، *مسلمانان و نگارش تاریخ: پژوهشی در تاریخ‌نگاری اسلامی*، ترجمه صادق عبادی، تهران: سمت.

- رابینسن، چیس اف (۱۳۸۹)، *تاریخ‌نگاری اسلامی*، ترجمه مصطفی سبجانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- رجایی، عبدالمهدی، محمدعلی چلونگر، و مرتضی نورایی (۱۳۹۰)، «تاریخ‌نگاری محلی عصر قاجار و مؤلفه‌های آن»، *مطالعات اسلامی، تاریخ و فرهنگ*، س ۴۳، ش ۴.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، *درآمدی بر تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۸)، *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳)، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران: امیرکبیر.
- زینلی، بهمن (۱۳۹۱)، *نقد و بررسی تاریخ‌نگاری محلی ایران از سقوط بغداد تا پایان صفویه*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان.
- سجادی، صادق و هادی عالم‌زاده (۱۳۷۵)، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران: سمت.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۱)، *جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر*، قم: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
- صادقی، مقصودعلی (۱۳۹۳)، *شناخت و نقد منابع و مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- صالحی، نصرالله (۱۳۸۰)، «کتاب‌شناسی توصیفی تاریخ‌های محلی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، س ۴، ش ۴۴ و ۴۵.
- صدقی، ناصر (۱۳۹۳)، *تاریخ‌نگاری در ایران عصر سلجوقی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۱-۱۳۵۲)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: ابن‌سینا.
- فصیحی، سیمین (۱۳۷۲)، *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی*، مشهد: نوند.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۸۸)، «تاریخ‌نگاری محلی کردستان و ظهور نخستین تاریخ‌نگار زن در ایران»، *پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان*، س ۴۵، ش ۱.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳)، *تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- قنات، عبدالرحیم (۱۳۸۷)، *نقد و بررسی تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی تا سده هفتم*، پایان‌نامه دکتری، اصفهان: گروه علوم انسانی، گرایش تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان.
- قنات، عبدالرحیم (۱۳۹۳)، *تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی؛ تا سده هفتم هجری*، تهران: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاهن، کلود (۱۳۷۰)، *درآمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی*، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- کوبین، شعله ای (۱۳۸۷)، *تاریخ‌نویسی در روزگار فرمان‌روایی شاه‌عباس صفوی*، ترجمه منصور صفت‌گل، تهران: دانشگاه تهران.

- گیب، ه آر و دیگران (۱۳۶۱)، مجموعه مقالات تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: گستره.
- مصطفی، شاکر (۱۹۸۳)، تاریخ العربی و المورخون، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالعالم للملایین.
- موسوی، حسن (۱۳۸۰)، شناخت و نقد منابع تاریخ ایران باستان، شیراز: دانشگاه شیراز.
- میثمی، جولی اسکات (۱۳۹۱)، تاریخ‌نگاری فارسی: سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، ترجمه محمد دهقانی، تهران: ماهی.
- میراحمدی، مریم (۱۳۶۸)، نظام حکومت ایران در دوران اسلامی از صدر اسلام تا عصر مغول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- میراحمدی، مریم (۱۳۶۹)، کتاب‌شناسی تاریخ ایران در دوران باستان، تهران: امیرکبیر.
- ناجی، محمدرضا و دیگران (۱۳۷۹)، تاریخ و تاریخ‌نگاری، تهران: کتاب مرجع.
- نقد و بررسی منابع سیره نبوی (۱۳۷۸)، زیر نظر رسول جعفریان، تهران: سمت.
- ورهام، غلامرضا (۱۳۶۸)، نظام حکومت ایران در دوران اسلامی از عصر مغول تا پایان قاجاریه، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ورهام، غلامرضا (۱۳۷۱)، منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی، تهران: امیرکبیر.
- ویدنگرن، گ (۱۳۸۱)، «منابع تاریخ پارتی و ساسانی»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه احسان یارشاطر و دیگران، تهران: امیرکبیر.